

توسعه شهری با تأثیرپذیری از توسعه حکمروایی خوب شهری در ایران

محسن محمدی^۱، مجید ولی شریعت پناهی^{۲*}، حسین مجتبی زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

چکیده

تجربه دنیا نشان داده است که توسعه شهری ارتباط تنگاتنگی با توسعه حکمروایی دارد و در ایران نیز چنین است. در این میان، کلانشهر تهران، به عنوان پایتخت، با مشکلات بسیاری مواجه است و منطقه چهار که از پرجمعیت ترین مناطق تهران است در شرایط کنونی فاقد توازن در سطح توسعه در بین نواحی مختلف می باشد. کشف روابط بین این شرایط با وضعیت حکمروایی در نواحی، مساله پژوهش را تشکیل می دهد. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با راهبرد پیمایش انجام شد. شاخص ها ابتدا به روش دلفی (DELPHI) بدست آمد. شاخص هایی که در محیط SPSS دارای نمره بالاتر از میانگین (۳ از ۵) بوده و انحراف معیار آن ها پایین باشد (که در اغلب موارد زیر ۱ بدست آمده است) نهایی شدند. لذا شاخص های نهایی حکمروایی بدست آمدند.

کلید واژه ها: توسعه شهری، حکمروایی خوب، نواحی شهری، شهر تهران.

مقدمه

ویژگی عصر ما شهر نشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. در آغاز قرن نوزدهم، تنها ۸ درصد از جمعیت دنیا در شهرهای ساکن بودند که این میزان در ابتدای قرن بیستم به ۸۰ درصد افزایش یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). در قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا به مرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان رسیده، پیش‌بینی می‌شود؛ در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۱۸ درصد تجاوز نماید (نظریان، ۱۳۸۰). رشد سریع جمعیت و تمرکز آنها در شهرها در سراسر جهان بر دور نمای زندگی بیشتر انسان‌ها اثر می‌گذارد. شهرها با رشد هم معنی شده، به طور فزاینده در معرض بحران‌های ناگوار، به ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند. فقر، تخریب محیط، فقدان خدمات شهری، نزول زیر بناهای موجود، فقدان دسترسی به زمین و سر پناه، از جمله بحران‌های مربوطه به این موضوع هستند (سرابی و همکاران، ۱۳۸۹).

پیچیدگی فزاینده مسائل و مشکلات شهری به خصوص در کلانشهرها، نیاز آنها را به جامع‌نگری حل این مسائل اجتناب‌ناپذیر نموده است. بر همین اساس دیدگاه‌های مختلفی در مورد رشد و توسعه شهرنشینی از طرف اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و کارشناسان محیط زیست به وجود آمد که رویکرد توسعه پایدار ماحصل تلفیق این سه دیدگاه است (کاظم محمدی، ۱۳۷۸) که از دهه آخر قرن بیستم از سوی سازمان ملل مطر به عنوان دستور کار ۲۱ در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی تعیین گردید (Roseland, 1997).

توسعه پایدار شهری دارای ابعاد گسترده و پیچیده است که عبارتند از عوامل اقتصادی، زیست - محیطی، اجتماعی و کالبدی است. بنابراین توسعه پایدار تنها مبتنی بر سیاست‌های زیست محیطی نیست و باید تمام ابعاد را در نظر بگیرد. در ایران نیز حدود دو الی سه دهه اخیر است که مباحث توسعه پایدار در همه زمینه‌ها علوم مطر شده که ابتدا بیشتر در زمینه‌های زیست محیطی و اقتصادی پیگیری می‌شد. با توسعه شهرها در ایران و مطرح شدن اصل توسعه پایدار در طر ها و برنامه‌های توسعه به عنوان هدف کلی مورد تایید قرار گرفت. به گونه‌ای که یکی از پژوهشگران در این زمینه بنام موسی کاظمی به این موضوع اشاره می‌کند (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰). اما ناکامی برنامه‌های کلان و شهر مقیاس در قالب طرح‌های جامع، هادی، و... به دلیل توجه به ابعاد محدودی از حیات شهری، بر کسی پوشیده نیست چرا که در جامعه شهری امروز به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری سطو پایین تر و ابعاد ملموس زندگی یعنی محلات شهری نقش تعیین کننده و مهمی بر عهده دارند و مانند حلقه واسط بین شهر و شهروندان عمل می‌کنند. در واقع یکی از مباحث اصلی توسعه پایدار، بحث تقدم توسعه محلی بر توسعه ملی است و محله‌های شهری به عنوان کوچکترین واحد سازمان فضایی شهر، در پایداری نقش اساسی ایفا می‌کند (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹). بنابراین با مطر شدن دیدگاه توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات کنونی شهر و زندگی شهر در گرو بازگشت به مفهوم محله می‌داند می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود به حل مشکلات و توسعه محلات پرداخت به همین دلیل در دهه‌های اخیر توجه به برنامه‌ریزی محله مبنای مطابق نیازهای توسعه محله‌ای و پژوهش در این باب گسترش یافته است. بنابراین برای دستیابی به شهرهای

پایدار قبل از هر چیز محلات پایدار لازم است، زیرا محلات به عنوان کوچکترین واحد تقسیمات شهری، اندام های سازنده شهر محسوب می شوند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۰).

کلانشهر تهران، به عنوان پایتخت و با جمعیتی بالغ بر ده میلیون شهروند، در بین ۱۲۴ کلانشهر موجود در جهان است که با مشکلات بسیاری از قبیل آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگی آب، مشکلات ترافیکی، کمبود مسکن، از بین رفتن و نابودی محیط زیست و تنوع زیستی موجود، آسیب پذیری در برابر حوادث غیر مترقبه طبیعی از قبیل زلزله، رانش، سیل، کمبود خدمات، سرانه ها، تاسیسات و تجهیزات شهری، فقر و نابهنجاری مواجه است (تیموری، ۱۳۹۰). این مشکلات بیشتر در سطح محلات شهر نمایان می شود و باعث ناپایداری و بروز نارضایتی ساکنان محلات شهری می شود. در نتیجه با رسیدگی به مشکلات و نارسایی های محلات شهری؛ هم به میزان قابل توجهی به ارتقا کیفیت زندگی و رضایت مندی مردم ساکن در محله کمک می شود و هم این که با پایدار شدن و ارتقاء سطح کیفی محلات به اندیشه توسعه پایدار شهری جامه عمل پوشنده خواهد شد.

منطقه چهار شهرداری تهران با گستره دید دامنه های البرز و سطوح سبز گسترده در درون و حریم منطقه هم چون دره های سد لار، لتیان و دره های سرسبز فشم، اوشان و میگون و مناطق ورزشی تفریحی دربندسر، شمشک و آبعلی را در شرق کلانشهر تهران قرار دارد. این منطقه از طرف شمال به خط ۱۸۰۰ و حریم منطقه یک و از طرف غرب به از خیابان لنگری با منطقه یک و در پاسداران با منطقه سه، از طرف جنوب با مرز یابان رسالت با مناطق هفت و هشت و در محدوده خیابان دماوند با منطقه ۱۳ و از طرف شرق به حریم منطقه چهار محدود می شود. منطقه چهار به عنوان یکی از پرجمعیت ترین، وسیع ترین، مهاجرپذیرترین، پراساخت و سازترین مناطق تهران شناخته شده است. این منطقه با دارا بودن پارک جنگلی لویزان و هم چنین با ویژگی هایی چون وجود نابرابری اجتماعی - اقتصادی شدید در آن، جوان بودن میانگین سنی جمعیت، وجود اقلشار آسیب پذیر در محله هایی هم چون خاک سفید، شمیران نو، شیان و ... از سایر محله های تهران قابل تمایز و تفکیک است. در شرایط کنونی به نظر می رسد توازن در سطح توسعه در بین نواحی مختلف این منطقه از شهر تهران وجود ندارد و این به یکی از دغدغه های مدیریت شهری و منطقه ای و از جمله پژوهشگر تبدیل شده است و لذا بررسی سطوح توسعه و در پی آن برنامه ریزی فضایی مناسب برای توزیع شاخص های توسعه به صورت متوازن در آینده این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مساله این پژوهش را تشکیل می دهد. این در حالی است که احتمال دارد میان وضعیت حکمروایی در ناحیه های شهری و این شرایط نامطلوب توسعه یافتگی در نواحی شهری، ارتباطی حاکم باشد. لذا کشف این روابط و معنی داری ها برای حل مشکل موجود، مساله این پژوهش را تشکیل می دهد.

مفاهیم و چهارچوب نظری

توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار دربردارنده تغییر در روابط بین انسان ها و بین انسان طبیعت در زمان کنونی و در طی زمان است (فنی، ۱۳۷۹) که در آن انسان مرکز توجه است و انسان ها هماهنگ با طبیعت سزاوار حیاتی توأم با سلامت و سازندگی هستند (موحد،

۱۳۷۹). در این گرایش اصل موازنه بین خواست‌های اجتماعی - اقتصادی و اکولوژیکی هر نسل با توجه به سهم نسل‌های آتی از منابع محدود زمین محور سیاست‌گذاری‌های شهری و چیدمان سکونتگاهها است (امچکی، ۱۳۸۳) توسعه پایدار تمرکز توسعه بر مردم و برقراری عدالت برای نسل‌های جاری و آینده (Barton, L, and Gaunlett, E, 2003) توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار به عنوان "توسعه است که پاسخگوی نیازها در حال حاضر باشد بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود" تعریف شده است (Hawley, Kate, 2014).

توسعه پایدار محله‌ای توانایی جوامع کوچک محلی (محلات) در بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیک است به گونه‌ای که همه اعضا یا اجتماعات محل‌های در حال و آینده از سطوح مناسب بهداشت، سلامت، زندگی مطلوب، امنیت، یکپارچگی میان محیط زیست و فعالیت انسانی و اقتصادی پویا برخوردار شوند (Kline, E, 1995). ناکامی‌ها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار موجب تغییر چرخش اهداف آن به سطح محلی گردیده است، بنابراین اندازه‌گیری و سنجش پایداری در محله‌های شهری اهمیتی دو چندان می‌یابد. اطلاع از وضعیت پایداری محله‌های واقع در بافت‌های سکونت قدیم، میانی، جدید و سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند نقشی مؤثر در برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه و پیشرفت به سمت پایداری در این محله‌ها داشته باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳).

به منظور دستیابی به اجرایی شدن استراتژی توسعه پایدار، اعضای جامعه باید به این باور برسند که ظرفیت لازم برای حل و فصل مشکلات و شکل دادن به‌اینده خود را دارند همانند تارهای عنکبوت که به ظاهر شکننده هستند ولی در مقاوت برابر نیروهای فوق‌العاده کمترین آسیب را می‌بینند (Swisher, M. E. and Monaghan, K. N, 2014).

در همین راستا بر رعایت موارد زیر برای پیگیری اصولی و موثر سیاست‌های توسعه پایدار شهری تاکید شده است:

الف) نظامی سیاسی که مشارکت موثر شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری را تضمین کند. ب) نظام اقتصادی که راه حل‌هایی برای مشکلات و موانع توسعه ناهماهنگ و ناموزون ارائه نماید. ج) نظام تولیدی که تعهد حفظ مبانی بوم‌شناسی برای توسعه را محترم شمرد. د) نظامی فناورانه که پشتیبان سیستم‌های حاوی حیات باشد. ه) نظامی بین‌المللی که الگوهای پایدار برای تجارت و امور مالی طرح ریزی نماید (الیوت، ۱۳۷۸).

حکمروایی

اگرچه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما برایان مک لالین اولین نظریه پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این دو مفهوم پرداخته است. از نظر او «حکومت مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است. اما حکمروایی نوعی فرایند است. این فرایند متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد. حکومت شهری مبین رویکرد سستی به اداره شهرها و مدیریت شهری و کلان شهری است و بیشتر به مناسبات حکومت مرکزی با شهرداری‌ها و سازمانهای رسمی و حکومتی پرداخته و بر روابط عمومی بین آنها تأکید دارد».

حکمروایی شهری، طبق تعریف مرکز اسکان بشر سازمان ملل (هابیتات)، عبارت است از مجموع روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت امور عمومی شهر از جانب افراد، نهادهای عمومی و نهادهای خصوصی، فرایند مستمری است که از آن طریق، منافع متضاد یا متعارض با هم همراه شده و به یک کنش همکاری روی آورده می‌شود. بنا به این تعریف، حکمروایی شهری نهادهای رسمی و هم‌چنین اقدامات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را در بر می‌گیرد.

در تعریف حکمروایی توسط بانک جهانی (۱۹۹۵) چنین آمده است: «حکمروایی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمروایی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمروایی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده اند، هم‌چنین قراردادهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده یا درک می‌کنند که به نفع آنها است.»

در گزارش کمیسیون حاکمیت جهانی که نقل قول بالا از آن اخذ شده، حکمروایی به این صورت تعریف شده است: «مجموعه بسیار وسیعی از روشها که اشخاص و موسسات هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی با آنها به اداره امور مشترک خود می‌پردازند، خدماتی که دولت‌ها [حکومت‌ها] برای شهروندان فراهم می‌سازند تا در آن محیط، شهروندان قادر به فعالیت باشند.»

با این اوصاف حکمروایی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام ساز و کارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه‌اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه دولتی اختیار دار آن دو باشد. اهداف کلان حکمروایی شهری به شرح زیر تدوین شده‌اند:

الف- بازساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی. ب- کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها. ج- افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها

حکمروایی شهری به طور خاص تر نیز این اهداف عملیاتی را دنبال می‌کند: الف- کاهش فساد. ب- بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان. ج- حفظ دموکراسی. د- ایجاد فرصت و امکان برای مردم به منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی. ه- اعتلای امنیت، برابری و پایداری.

در چارچوب اهداف فوق، حکمروایی شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد. دو مفهوم حکومت شهری و حکمروایی شهری، دو سر یک طیف بوده و مبین نگرش‌ها و الگوهای بسیار متفاوت و متمایزی هستند که هر یک شکل و فرایند متفاوتی از مدیریت شهری را پدید می‌آورند. در حکمروایی شهری شهرداران نقش رئیس اصلی اجرایی شهر را بر عهده دارند که قدرت آنها متکی به آرای مستقیم یا غیرمستقیم مردم از طریق شوراهای شهر و منتخب مردم است. مشارکت مردم در اداره، ساماندهی شهر و اقدام‌های اجرایی اساس حاکمیت شایسته شهری است. هم‌چنین

مردم با انتخاب نمایندگان شوراهای شهری و محلی در حاکمیت شهری حضور غیرمستقیم می‌یابند و به این ترتیب حاکمیت شایسته شهری شکل می‌گیرد.

حکومت و حکمروایی دو الگوی متفاوت در شیوه اداره شهرها هستند. تفاوت این دو ایده در میزان قدرت، نفوذ و صلاحیت سه عنصر دولت، بخش خصوصی و بخش مردمی (جامعه) در جامعه شهری است. حکمروایی به روش، شیوه یا نظام مدیریتی اشاره دارد که مرز بین سازمانها و بخش‌های عمومی و خصوصی را نفوذ پذیر کرده است. ماهیت حکمروایی در ارتباط متقابل و کنش و واکنش بین و درون نیروهای حکومتی و غیرحکومتی است. حکمروایی به شفاف سازی اختلافات بین دولت، بازار و جامعه مدنی و ایجاد ساز و کارها و فرایندهایی برای برنامه‌ریزی راهبردی، تصمیم‌گیری و اجرا و نیز به ایجاد ترتیباتی برای مسئولیت‌پذیری در انجام کارها اشاره دارد. حکمروایی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. در واقع این اصطلاح «رابطه» و نه «دستگاه» را توصیف می‌کند. برخلاف حکومت، ایده حکمروایی بخش‌های عمومی، خصوصی و داوطلبانه را در بر می‌گیرد.

حکمروایی شهری، اعتقاد به اصل «شهروند» و «حقوق شهروندی» و «شهروندمداری» و تعریف درست آنهاست. می‌دانیم که منشأ قدرت و مشروعیت در حکمروایی شهری، تمام «شهروندان» و حضور آنها در همه صحنه‌ها و ارکان «جامعه مدنی» است از شاخصه‌های شکل‌گیری و گسترش این عرصه، انتقاد کردن، انتقادپذیری و پاسخگویی به مطالبات و انتقادات است که در حقیقت، رکن اصلی و اساسی و پایداری آن ارکان به شمار می‌آید.

بنابراین تهدیدهای حکمروایی شایسته شهری عبارت است از: انحصار طلبی نهادهای سیاسی، عدم اطلاع‌رسانی و محدودیت بنگاه‌های خبری و رسانه‌ای، نفوذ نهادهای قومی و محلی در مراجع تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، سوء استفاده‌ها و فساد مالی و نفوذ صاحبان قدرت.

حوزه‌های عملکرد و فعالیت نظام حکمروایی شهری را می‌توان شامل پنج حوزه دانست: ۱- عملکردهای اداری: افزایش ظرفیت حرفه‌ای، نوآوری، تقویت و سازماندهی مجدد سازمان و گسترش برنامه‌های آموزشی. ۲- مدیریت مالی: استقرار یک نظام کارآمد و شفاف مبادلات بین سطوح مختلف دولت و برقراری سازوکارهای انگیزشی و تجهیز منابع مالی محلی. ۳- ارائه خدمات عمومی: بهبود در ارائه کارآمد خدمات، نهادسازی برای هماهنگی مؤثرتر بین سطوح مختلف دولت و گزینه‌های جدید برای ارائه خدمات، مانند تأمین منابع بیرونی و خصوصی سازی. ۴- تشدید توسعه بخش خصوصی: اجرای ترتیبات لازم برای ترویج و پرورش سرمایه‌گذاری خصوصی محلی، فعال‌سازی مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری و خدمات در سطح محلی و مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال نیازهای بخش خصوصی. ۵- مشارکت در تصمیم‌های محلی و منطقه‌ای: توسعه گزینه‌های اعلام‌خواسته‌های محلی، برنامه‌ریزی مشارکتی و سازوکارهای مشورتی. تحقق و عملیاتی شدن این ویژگی‌ها در گرو این اصلاحات سازمانی و اجرایی است: استقرار شیوه نو و جدید در رهبری، بکارگیری نیروهای حرفه‌ای‌تر در کارهای اجرایی، افزایش درآمد و مالیات و مشارکت قدرتمندتر در انتخاب عمومی.

از نظر بوئینگر (۱۹۹۱) سه بعد برای حکمروایی قابل تصور است؛ فنی، سیاسی و نهادی. هارفام و بوئینگر (۱۹۹۷) بعد فرهنگی را نیز به این ابعاد اضافه می‌کند (جستارهای شهرسازی، ۱۳۸۶).

بعد فنی: فرایند انجام خدمات شهری از نگاه مدیریتی به طور سنتی با وجوه فنی مورد توجه قرار گرفته است. این بعد از نظر بوئینگ (۱۹۹۱) به محدودیتهای تحمیل شده بر منبع طبیعی، سطوح آموزش، مهارتهای نیروی انسانی و ظرفیت صنعتی هر شهر معین اشاره دارد. اصلی ترین مشخصه بعد فنی، عبارت است از رشد اقتصادی حاصل از عملکرد حکمرانان.

بعد سیاسی: بعد سیاسی با بعد فنی پیوند نزدیکی دارد؛ سیاستهای اجتماعی و اقتصادی برای یک اجتماع معین را نمی توان بدون درک فرایندهای تصمیم گیری در آن ملاحظه نمود. از نظر پاتر و تامس (۱۹۹۲) این فرایندها همان روابط قدرت در درون و میان کنشگران و نهادهای سیاسی است. بانک جهانی بین بعد سیاسی و فنی تمایز قایل است؛ این رویکرد با انگاره توسعه اقتصادی محض (بعد فنی) مخالف است و در مقابل، بر مشارکت شهروندان تاکید دارد. بر این اساس، مسائل مربوط به نمایندگی، پاسخگویی و توانمندسازی شهروندان را نمی توان فارغ از طبقات اجتماعی، اصناف، اقوام و جنس های موجود در جامعه شهری بررسی نمود و به همین دلیل مشارکت همگانی اهمیت دارد.

بعد نهادی: بعد نهادی حکمروایی حاکی از شکست سازو کارهای موجود برای ارائه خدمات یکسان (مساوی) به همه گروههای اجتماعی است. نهادهای مستقر در بخش خصوصی و عمومی به تدریج تغییری کنند اما همچنان از طریق فشار، سلسله مراتب، تخریب، انحطاط و فساد، سعی در حفظ وضع موجود دارند. بسیاری از تحقیقات بر اصلاح نهادها تاکید دارد تا بر ایجاد آنها. هدف از اصلاحات نهادی، مدیریت اقتصادی اثربخش و کاهش فقر پایدار است.

بسیاری از مطالعات بانک جهانی (۱۹۹۴) به بعد نهادی حکمروایی اشاره می کند. از دید بانک جهانی، بعد نهادی شامل اجزای زیر است: مدیریت بخش عمومی، چارچوب حقوقی، رویکردهای مشارکتی، مخارج نظامی، نهادها و حقوق بشر (جستارهای شهرسازی، ۱۳۸۶).

بعد فرهنگی: آمارتیا سن با انتقاد از ابعاد فنی و سیاسی، استدلال می کند که فقط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اهداف توسعه نیستند. آزادی بیان، آزادی مشارکت و حق برخورداری از تشکیلات سیاسی نیز بخشی از وجوه مهمتر و معنادارتر زندگی انسانهاست. حکمروایی خوب نمی تواند در همه جوامع بنیادهای یکسانی داشته باشد، بلکه باید مبتنی بر فرهنگ متمایز محلی و تاریخ ویژه دولت و نهادهای آن باشد. دولت در خلاء فعالیت نمی کند. بلکه در محیطی عمل می کند که مردم در آن باروها و ارزش های مشترکی دارند، برای برخی اهداف رقابت و برای برخی اهداف دیگر مشارکت می کنند و دیدگاه های متفاوتی درباره قدرت و نحوه فعالیت آن دارند. کیفیت حکمروایی از فرهنگ جامعه نشأت می گیرد. از این رو این کیفیت از جامعه ای به جامعه دیگر و از دوره ای به دوره دیگر متفاوت است. به نظر مارتین (۱۹۹۱) پیش نیاز ضروری برای حکمروایی خوب عبارت است از اعتقاد دسته جمعی کنشگران سیاسی و اجتماعی به ارزشهای اخلاقی مشترک.

مرکز اسکان بشر سازمان ملل، شاخص های حکمروایی شهری را در ۲۴ شهر مورد سنجش قرار داده و ۲۶ شاخص را در پنج دسته (مشارکت، تساوی، اثربخشی، پاسخگویی و امنیت) معرفی کرده است. در جدول بعدی، شاخص های حکمروایی شهری خوب براساس معیارهای سازمان ملل (۲۰۰۵) درج شده است.

جدول ۱ - شاخص های حکمروایی شهری خوب براساس معیارهای سازمان ملل (۲۰۰۵)

اثر بخشی	تساوی	مشارکت	پاسخگویی	امنیت
۱- منابع عمده درآمدی	منشور شهروندی	۱- انتخاب شورا	۱- انتشار حسابها، بودجه، قراردادها و مناقصه‌ها	۱- سیاستگذاری پیشگیری از جرایم
۲- پیش بینی پذیری جابه جایی های بودجه محلی	۲- درصد تعداد زنان در شورای شهر	۲- انتخاب شهردار	۲- حمایت از سطوح بالاتر دولت	۲- خدمات پلیسی به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر
۳- سنجه‌های منتشر شده ارائه عملکرد	۳- سیاست های فقیرگرای قیمت گذاری آب	۳- شرکت رأی دهندگان	۳- کدهای اجرا برای کارمندان رسمی	۳- رسیدگی به اختلاف
۴- بررسی های رضایت مصرف کنندگان	۴- مشوق های مشاغل غیر رسمی	۴- مجامع عمومی	۴- تسهیلات برای شکایتهای شهروندان	۴- اعتراض در مقابل سیاستهای مربوط به زنان
۵- بیانیه چشم انداز		۵- انجمن های مدنی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۵- کمیسیون ضد فساد	۵- سیاستگذاری درباره ایذر و HIV
			۶- اعلام در آمد و دارایی	
			۷- حسابرسی مستقل	

بر اساس مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش در ادامه ترسیم شده است.

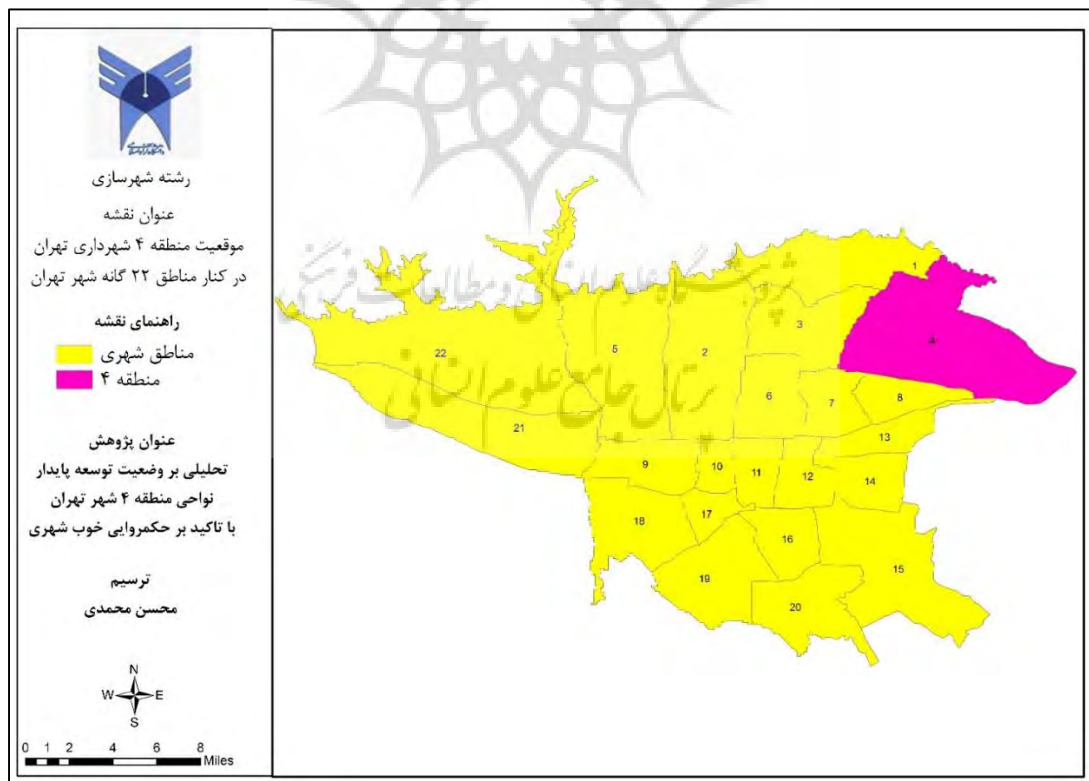


شکل ۱ - مدل مفهومی پژوهش

شناخت محدوده پژوهش

شهر تهران، بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران، مرکز استان و شهرستان تهران است. جمعیت آن ۸,۲۴۴,۵۳۵ نفر بوده (آمار بزرگ‌ترین شهرهای جهان؛ بازبینی شده در ۱۰ اوت ۲۰۱۲) و هجدهمین شهر پرجمعیت جهان به شمار می‌آید (سازمان ملل متحد). مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومتر مربع است (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۰). این شهر با وسعتی در حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع در ۵۱ درجه و ۲ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی جغرافیایی قرار دارد.

منطقه ۴ تهران با گستره دید دامنه‌های البرز و سطوح سبز گسترده در درون و حریم منطقه هم‌چون دره‌های سد لار، لتیان و دره‌های سرسبز فشم، اوشان و میگون و مناطق ورزشی تفریحی دربندسر، شمشک و آبعلی را در شرق کلان شهر تهران واقع شده است. محدوده منطقه، از طرف جنوب با مرز خیابان رسالت با مناطق ۷ و ۸ و در محدوده خیابان دماوند با منطقه ۱۳، از طرف شرق: به حریم منطقه ۴ محدود می‌شود. بدین ترتیب منطقه ۴ با مناطق ۱، ۳، ۷، ۸ و ۱۳ دارای بدنه مشترک و همجوار است. از طرف غرب: در حدود خیابان لنگری با منطقه ۱ و در پاسداران با منطقه ۳ و از طرف شمال: به خط ۱۸۰۰ متر و حریم منطقه ۱ منتهی می‌گردد. موقعیت منطقه ۴ در شهر تهران و نسبت به سایر مناطق شهری در نقشه بعدی نشان داده شده است.



نقشه ۱ - موقعیت منطقه ۴ شهر تهران در کنار سایر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

روش پژوهش

پژوهش کنونی از رویکرد آمیخته که تلفیقی از دو روش کیفی و کمی است، استفاده می‌کند. به این صورت که ابتدا به صورت کیفی و با استراتژی موردکاوی که از استراتژی های تحقیقات کیفی است، به تبیین جنبه‌های مختلف مدیریت شهری و حکمروایی خوب شهری و ناحیه‌ای می‌پردازد. علاوه بر موردپژوهی، از روش پیمایش به عنوان یک روش کمی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها، استفاده گردیده است.

تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، در مرحله پرسش‌گری از جامعه خبرگانی و نخبگانی در نهایی‌سازی «شاخص‌های سنجش حکمروایی خوب شهری در سطح نواحی شهری» و نیز در نهایی‌سازی «شاخص‌های سنجش سطح توسعه و برخورداری نواحی شهری»، دلفی است. یکی از روش‌های کسب دانش گروهی مورد استفاده، تکنیک دلفی (Imani, 2000) است که فرایندی دارای ساختار برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است (Kennedy, 2004; Dunham, 1996. [Cited 2002 Mar]). [24]. در حالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سؤال «چه هست» دارند، دلفی به سؤال «چه می‌تواند/چه باید باشد» پاسخ می‌دهد (Powell, 2003). تکنیک در ابتدا بر مبنای حدس، قضاوت و الهام افراد مطرح شد و اما به تدریج شکل علمی گرفت و اولین بار در اواخر ۱۹۵۰ توسط کمپانی RAND برای بررسی علمی نظرات کارشناسان در پروژه دفاعی ارتش طراحی و توسعه یافت اما به دلایل امنیتی تا ۱۲ سال بعد منتشر نگردید. اولین کاربرد غیر نظامی آن نیز در برنامه ریزی توسعه اقتصادی پیشنهاد شد (Turoff and Linstone, 2008 & Landeta, 2006). دلفی، از نیمه دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک روش مهم علمی شناخته شد و اکنون برای طیف گسترده‌ای از سؤالات آینده محور و پیچیده و در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها و دیسپلین‌ها استفاده می‌شود.

جامعه آماری خبرگان و نخبگان: به دلیل تخصصی بودن موضوع، جامعه آماری اول، شامل تعدادی از "پژوهشگران و خبرگان دانشگاهی" است به شرط آن که در باره توسعه پایدار شهری و هم‌چنین حکمروایی خوب شهری، از تجارب پژوهشی برخوردار باشند، برای پرسشگری انتخاب خواهند شد. این جامعه آماری برای تعیین و نهایی‌سازی شاخص‌های توسعه پایدار نواحی شهری و تدوین و تدقیق شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در سطح نواحی، مدنظر خواهد بود و پژوهشگر به سراغ آنها می‌رود.

نمونه آماری خبرگان و نخبگان: با توجه به تخصصی بودن موضوع و این که حجم جامعه خبرگان و نخبگان دانشگاهی به صورت دقیق مشخص نیست و تنها می‌توان برآوردی از حجم جامعه ارائه نمود، لذا انتخاب یک حجم نمونه دقیق دشوار به نظر می‌رسد. در خصوص نخبگان و خبرگان به روش گلوله برفی اعتماد خواهد شد. نکته لازم توجه آن است که خبرگان و نخبگان به شیوه دلفی، در نهایی‌سازی شاخص‌ها به پژوهشگر کمک خواهند نمود. بعضی مقالات، دلفی را از نظر عدم نمونه‌گیری تصادفی نقد نموده، اما نماینده بودن نمونه‌ها اهمیت نداشته، بلکه کیفیت پانلیست‌ها مهم تر از تعداد آنها است. به عبارت دیگر، تعداد افراد انتخابی در جامعه خبرگانی و نخبگانی اهمیت چندانی ندارد بلکه کیفیت انتخاب، بسیار مهم است.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها، در قسمت داده‌های میدانی، از آزمون‌های آماری متناسب در نرم افزار تحلیل آماری بهره‌گیری می‌شود. سوالات پرسشنامه بوسیله نرم‌افزارهای موجود مانند SPSS، EXCEL و آماره‌های متناسب از مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در اینجا از میانگین، کمینه، بیشینه، انحراف استاندارد بهره‌گیری خواهد شد. برای تعیین پایایی آزمون نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هم‌آهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود (Cronbach, 1951). همچنین در تعیین روابط متغیرها و شاخص‌ها، نتایج حاصل از بررسی میدانی، در درون نرم‌افزار GIS پیاده‌سازی شد تا بتوان تحلیل فضایی مناسب ارائه نمود.

یافته‌ها

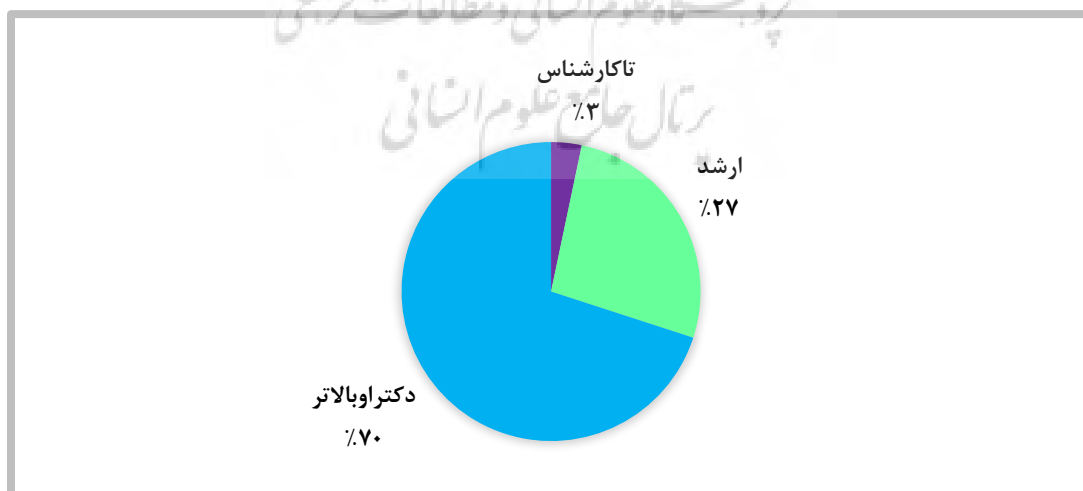
ویژگی‌های عمومی خبرگان و متخصصان

توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب تحصیلات

بررسی آماری جامعه خبرگانی و نخبگانی حاکی از آن است که ۷۰ درصد دارای تحصیلات دکتری، ۲۶٫۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. به عبارت دیگر، جامعه آماری پژوهش، از سطح تحصیلات عالی برخوردارند.

جدول ۲ - توزیع فراوانی جامعه خبرگانی و نخبگانی بر حسب تحصیلات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	تا کارشناس	1	3.3	3.3	3.3
	ارشد	8	26.7	26.7	30.0
	دکتر و بالاتر	21	70.0	70.0	100.0
	Total	30	100.0	100.0	



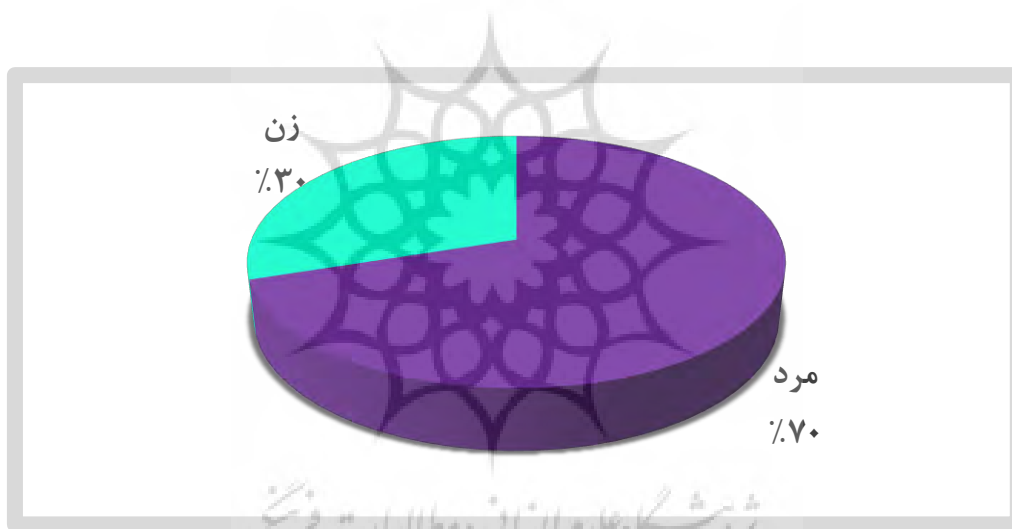
نمودار ۱ - توزیع فراوانی جامعه خبرگانی و نخبگانی بر حسب تحصیلات

توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب جنس

توزیع فراوانی افراد جامعه خبرگانی و نخبگانی نشان از برتری چشم گیر مردان بر جنس مخالف آن دارد. این موضوع از روی جدول آماری و نمودار پیداست که در پی آمده است. آمارها به خوبی گویا ساخته است که ۷۰ درصد جامعه خبرگانی را جنس مردان و ۳۰ درصد را جنس زنان تشکیل می دهند.

جدول ۳ - توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب جنس

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	مرد	21	70.0	70.0	70.0
	زن	9	30.0	30.0	100.0
	Total	30	100.0	100.0	



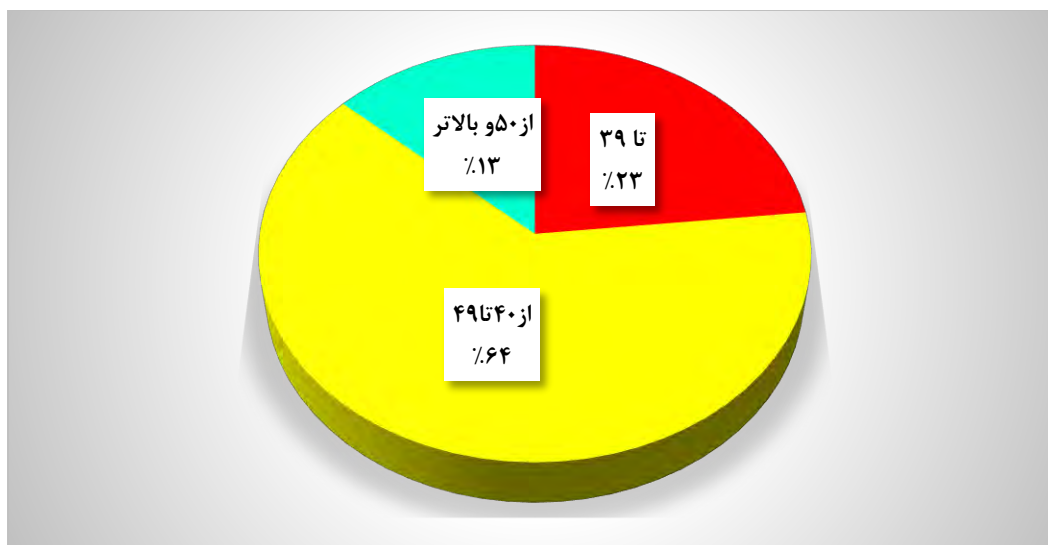
نمودار ۲ - توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب جنس

توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب سن

بررسی توزیع فراوانی جامعه آماری بر حسب رده سنی نشان داد که ۱۳,۳ درصد در رده سنی ۵۰ سال و بالاتر واقع شده اند و ۶۳,۳ درصد در محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله قرار داشته و ۲۳,۳ درصد پایینتر از ۴۰ سال دارند.

جدول ۴ - توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب سن

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	تا 39	7	23.3	23.3	23.3
	از 40 تا 49	19	63.3	63.3	86.7
	از 50 و بالاتر	4	13.3	13.3	100.0
	Total	30	100.0	100.0	



نمودار ۳ - توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب سن

برای حصول به شاخص‌های حکمروایی خوب، به روش دلفی عمل شد تا اجماع نهایی نظر خبرگان و نخبگان در خصوص شاخص‌ها بدست آید و پس از آن بتوان در مراحل بعدی (سنجش و اندازه‌گیری میدانی)، پرسشنامه مناسبی تهیه و بین آنها توزیع شود. در جدول بعدی، نمره مانگین و انحراف معیار محاسبه و درج شده است.

جدول ۵ - نمره میانگین و انحراف معیار گزاره‌ها و شاخص‌های حکمروایی خوب در نواحی شهری

گزاره‌ها	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
حمایت شهروندان ساکن ناحیه از تصمیم گیران و تایید سیاست های آنان	30	3	5	4.70	.596
مشارکت و نظرخواهی از شهروندان ناحیه در تهیه طرح های موضوعی-موضوعی و اجرای آن ها	30	3	5	4.67	.606
کمک شهروندان ناحیه در اجرای طرح های توسعه شهری	30	2	5	4.63	.718
تمایل شهروندان ناحیه به کمک کردن به مدیران و مسولان در تهیه طرح های توسعه شهری	30	3	5	4.70	.535
وجود اتاق فکرها و تشکیل جلسه های مشورتی برای مشارکت بخش خصوصی و نهاد مدنی	30	3	5	4.83	.461
مشارکت و فعالیت داوطلبانه مردم ناحیه در نظافت معابر، مناظر طبیعی و بهداشت ناحیه	30	3	5	4.77	.504
میزان واگذاری اداره شهر به خود شهروندان ناحیه و تفویض اختیار به مردم	30	3	5	4.83	.531
مؤثر بودن اقدام های مدیریت شهری برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناحیه	29	1	5	4.45	.948

گزاره‌ها	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
میزان مشارکت شهروندان ناحیه در تأمین مالی و تأمین بودجه شهرداری	30	1	5	4.57	.898
لحاظ مسایل محیط زیستی در اجرای طرح‌ها از سوی نهادها بویژه شهرداری ناحیه	29	3	5	4.66	.670
محاسبه و لحاظ مدت زمان اجرای طرح‌های ناحیه به طور صحیح	29	3	5	4.62	.622
محاسبه و لحاظ هزینه اجرای طرح‌ها در ناحیه بطور دقیق	30	1	5	4.60	.894
میزان رضایت شهروندان از خدمات ارائه شده توسط نهادها بویژه شهرداری	30	1	5	4.67	.802
بهترین و مناسب‌ترین طرز استفاده از منابع موجود ناحیه برای تأمین نیازهای شهروندان	30	3	5	4.73	.521
بهبود اقدامات و روش‌های مدیریتی بر پایه دانش روز و فن‌آوری‌های جدید	30	4	5	4.77	.430
کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات به شهروندان ناحیه	30	3	5	4.70	.651
اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد کارهای عمرانی و رفاهی و نظرخواهی از آنان در این مورد	30	2	5	4.57	.817
اطلاع شهروندان از وجود طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی مربوط به ناحیه	30	1	5	4.73	.828
اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد جزئیات اجرا و هزینه‌های اجرای پروژه‌ها در ناحیه	30	3	5	4.83	.531
روشن و شفاف بودن مسولیت‌ها، قراردادهای، مناقصه‌ها و مزایده‌ها	30	2	5	4.70	.794
کاهش فساد در مدیریت شهری ناحیه بدلیل عدم پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری‌ها	30	3	5	4.73	.583
قابلیت دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، کنترل و پایش عملکرد مدیران ناحیه شهری	30	3	5	4.83	.461
اعلام عمومی رشد درآمدهای پایدار شهرداری ناحیه و محل تأمین آن	30	4	5	4.83	.379
رعایت اخلاقیات و صداقت از جانب مدیران و مسئولان ناحیه	30	2	5	4.77	.679
کاهش تعداد پرونده‌های فساد مالی کارکنان مجموعه مدیریت شهری ناحیه	30	1	5	4.67	.884
وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان ناحیه از روندهای موجود	30	3	5	4.60	.724
قوانین کارآمد برای اداره و مدیریت ناحیه شهری	30	3	5	4.47	.776
رعایت درستی و عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری	30	3	5	4.70	.651
بسته بودن دست افراد غیر مسئول در تصمیم‌گیری‌ها	30	4	5	4.90	.305
آگاهی شهروندان ناحیه از قوانین، مقررات و ضوابط	30	3	5	4.83	.531
اطلاع شهروندان و اهالی ناحیه از سازمان‌های تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز ناحیه	30	3	5	4.70	.651

گزاره‌ها	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
پایبندی مسولان ناحیه نسبت به قوانین	29	3	5	4.76	.511
عدم تأثیرگذاری روابط بر روی ضوابط و نبود تبعیض در تصمیم‌گیری و برنامه ریزی	30	3	5	4.60	.675
عدم تأثیرگذاری افراد صاحب قدرت و گروه‌های صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری های شهری	30	2	5	4.67	.802
پایبندی مدیریت شهر به عرف و آداب و رسوم شهروندان ناحیه	30	2	5	4.73	.691
میزان برخورد قانونی مسئولین ناحیه با عوامل تخطی از قوانین و ضوابط شهری و شهرسازی	30	1	5	4.63	.964
وضعیت عملکرد اداره کل حقوقی در رسیدگی به دعاوی شهروندان ناحیه	30	2	5	4.50	.861
میزان تعهد شهرداری به قوانین و مقررات طرح جامع و تفصیلی	29	4	5	4.86	.351
درک و پذیرش مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته‌های شهروندان ناحیه	30	3	5	4.73	.640
واکنش و پاسخ مناسب مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته‌های شهروندان	30	3	5	4.77	.626
همسویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسولان ناحیه	30	2	5	4.53	.819
برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با گروه‌های مختلف توسط شهرداری در موضوعات مختلف	30	1	5	4.57	1.006
تسهیل در رسیدگی مطلوب به شکایات شهروندان ناحیه توسط نهاد مدیریت شهری	30	2	5	4.80	.610
برگزاری جلساتی از سوی میران و مسئولان ناحیه برای تشریح اقدامات	30	1	5	4.80	.761
حساب پس دادن مسولان و تصمیم گیران ناحیه در قبال شهروندان	30	2	5	4.57	.971
فراهم بودن ساز و کار های لازم برای پاسخ گویی مسولان در نهاد مدیریت شهری ناحیه	30	2	5	4.43	.935
مسولان و مدیران شهری ناحیه بخوبی پذیرای خواسته‌ها و نیازهای شهروندان بودن	30	3	5	4.77	.568
پاسخ دادن مسولان و مدیران شهری به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان ناحیه	30	3	5	4.77	.568
پیگیری مسئولین شهری نسبت به طرح های در دست اجرا تا لحظه پایان آنها	30	3	5	4.50	.731
مسئولیت پذیری در برابر مشکلات کالبدی ناحیه	30	1	5	4.60	1.037
اعتراف به خطا و اشتباه‌های مدیریتی در ناحیه شهری	29	3	5	4.66	.670
مسئولیت پذیری مدیریت شهری ناحیه در برابر وظایف محول شده	29	2	5	4.41	.946
تلاش مدیران شهری ناحیه برای تشویق مردم به پذیرش مسؤولیت	29	2	5	4.55	.910
رضایتمندی مردم شهر از مسؤولیت‌پذیری مدیران شهری ناحیه	29	3	5	4.59	.780

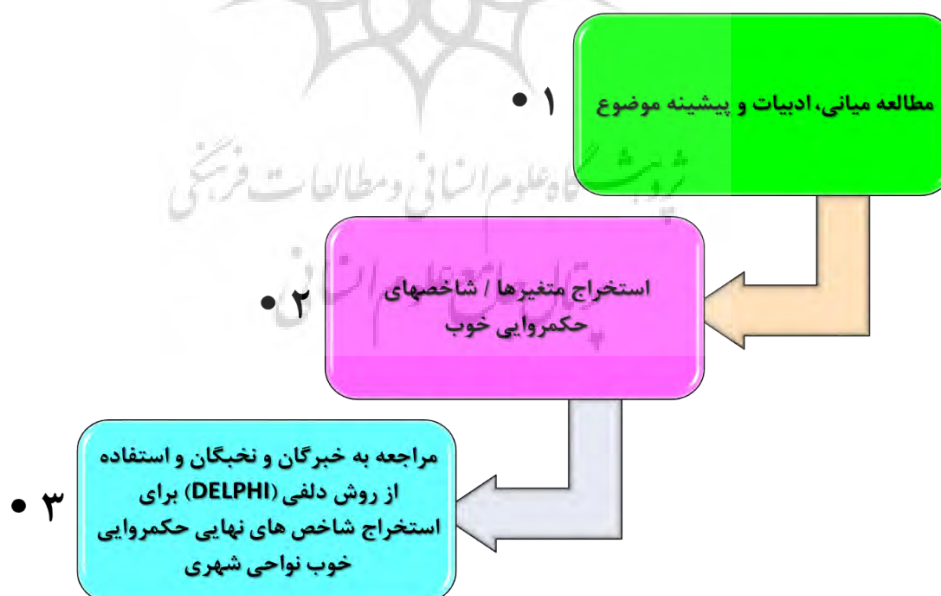
گزاره‌ها	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
تهیه و انتشار سلسله گزارش های مختلف از عملکرد شهرداری ناحیه	28	3	5	4.64	.731
پاسخگویی شهرداری در ارتقا و پیاده سازی نظام مدیریت بحران در ناحیه	29	3	5	4.62	.728
حصول توافقی مشترک میان سازمان های دولتی، شهروندان و سازمان های غیر دولتی	27	3	5	4.70	.669
وجود هماهنگی های لازم بین نهادهای مختلف، برای اداره بهتر ناحیه	30	2	5	4.40	.932
وجود سازوکارهای همکاری مطلوب بین شهرداری، نهادهای عمومی، خصوصی و شهروندان	29	1	5	4.48	1.122
وجود تعامل مناسب گروه‌ها و منافع مختلف با یکدیگر در ناحیه	29	2	5	4.59	.983
تعامل سه بخش مهم (بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) با یکدیگر در ناحیه	30	3	5	4.60	.724
وجود سازوکاری برای مشورت بین سازمان های رسمی توسعه و شهروندان ناحیه	30	3	5	4.67	.711
توافق جمعی در خصوص مشکلات مهم ناحیه (اقتصادی، زیست محیطی)	30	3	5	4.63	.669
تشکیل گروه‌های داوطلب مردمی در راستای کمک رسانی به خدمات شهری در ناحیه	30	2	5	4.60	.894
عبور مدیریت شهری از مسائل روزمره ناحیه و غرق نشدن در روزمرگی	30	2	5	4.47	1.008
وجود بینش گسترده و دراز مدت نسبت به آینده ناحیه	30	3	5	4.53	.819
وجود بینش راهبردی در زمینه توسعه ناحیه در میان مدیران و مسولان نهاد مدیریت ناحیه	30	3	5	4.80	.551
در نظر گرفته طیف ها و گروه‌های مختلف شهروندان در برنامه ریزی های توسعه ناحیه شهری	30	3	5	4.67	.606
آینده نگری در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری های نهاد مدیریت شهری ناحیه	30	3	5	4.77	.504
آینده نگری و تدبیر برای مشکلاتی که در آینده ممکن است گریبانگیر شهر و شهروندان شود	30	3	5	4.63	.765
وجود فرصت های مناسب برای همه ی شهروندان در زمینه ی ارتقا وضعیت رفاهی خودشان	30	2	5	4.73	.740
کافی و موفق بودن تلاشها در جهت تخصیص عدلانه منابع بین همه شهروندان	28	3	5	4.82	.476
سهم خوب و مطلوب اقشار و شهروندان محروم، در اعلام نظرها و تصمیم‌گیری ها	30	2	5	4.67	.758

گزاره‌ها	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
عضویت زنان در نهادهای مدیریت شهری ناحیه هم‌چون شهرداری و شورا	30	1	5	4.57	.935
برابری فرصتها و تخصیص بهینه منابع و امکانات در ناحیه	30	3	5	4.67	.606
گسترش برابر دامنه بهداشت در خیابان‌ها و محله‌های ناحیه	30	3	5	4.77	.504
سرانه مراکز خدمات اجتماعی در ناحیه	30	3	5	4.63	.765
سرانه ارزش ریالی خدمات ارائه شده به بانوان در ناحیه	30	2	5	4.73	.740

رقم میانگین همه این شاخص‌ها از ۴ بالاتر و در اغلب موارد حتی از ۴,۵ بالاتر است که نشانه خوبی برای تایید آنها است. در اینجا رقم انحراف معیار برای ۴ مورد از شاخص‌ها پایین‌تر از ۱,۵ و نزدیک به یک بوده و از اینرو مورد قبول است. علاوه بر این، در مورد سایر شاخص‌ها، همگی انحراف معیارها کمتر از ۱ و حتی نزدیک به ۰,۵ بدست آمده است. در مجموع نشانگر همگرایی و توافق بسیار بالای خبرگان و نخبگان دارد. پس می‌توان گفت تمامی شاخص‌های درج شده، مورد قبول و از نظر پژوهش، مورد تأیید است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

به طور خلاصه از فرایند زیر استفاده شده است:



نمودار ۴ - فرایند طی شده برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش

در نهایت، شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در راستای توسعه پایدار در مقیاس نواحی شهری بدین شرح بدست آمده است:

- ۱- حمایت شهروندان ساکن ناحیه از تصمیم گیران و تایید سیاست‌های آنان.
- ۲- مشارکت و نظرخواهی از شهروندان ناحیه در تهیه طرح های موضعی - موضوعی و اجرای آنها.
- ۳- کمک شهروندان ناحیه در اجرای طرح های توسعه شهری.
- ۴- تمایل شهروندان ناحیه به کمک کردن به مدیران و مسولان در تهیه طرح های توسعه شهری.
- ۵- وجود اتاق فکرها و تشکیل جلسه‌های مشورتی برای مشارکت بخش خصوصی و نهاد مدنی.
- ۶- مشارکت و فعالیت داوطلبانه مردم ناحیه در نظافت معابر، مناظر طبیعی و بهداشت ناحیه.
- ۷- میزان واگذاری اداره شهر به خود شهروندان ناحیه و تفویض اختیار به مردم.
- ۸- مؤثر بودن اقدام های مدیریت شهری برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناحیه.
- ۹- میزان مشارکت شهروندان ناحیه در تأمین مالی و تأمین بودجه شهرداری.
- ۱۰- لحاظ مسایل محیط زیستی در اجرای طرح ها از سوی نهادها بویژه شهرداری ناحیه.
- ۱۱- محاسبه و لحاظ مدت زمان اجرای طرح های ناحیه به طور صحیح.
- ۱۲- محاسبه و لحاظ هزینه اجرای طرح ها در ناحیه بطور دقیق.
- ۱۳- میزان رضایت شهروندان از خدمات ارائه شده توسط نهادها بویژه شهرداری.
- ۱۴- بهترین و مناسب ترین طرز استفاده از منابع موجود ناحیه برای تامین نیازهای شهروندان.
- ۱۵- بهبود اقدامات و روش های مدیریتی بر پایه دانش روز و فن آوری های جدید.
- ۱۶- کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات به شهروندان ناحیه.
- ۱۷- اطلاع‌رسانی به شهروندان درمورد کارهای عمرانی و رفاهی و نظرخواهی از آنان در این مورد.
- ۱۸- اطلاع شهروندان از وجود طرح ها و برنامه‌های عمرانی مربوط به ناحیه.
- ۱۹- اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد جزئیات اجرا و هزینه‌های اجرای پروژه‌ها در ناحیه.
- ۲۰- روشن و شفاف بودن مسولیت ها، قراردادها، مناقصه‌ها و مزایده‌ها.
- ۲۱- کاهش فساد در مدیریت شهری ناحیه بدلیل عدم پنهان کاری در تصمیم‌گیری‌ها.
- ۲۲- قابلیت دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، کنترل و پایش عملکرد مدیران ناحیه شهری.
- ۲۳- اعلام عمو می‌رشد درآمدهای پایدار شهرداری ناحیه و محل تأمین آن.
- ۲۴- رعایت اخلاقیات و صداقت از جانب مدیران و مسئولان ناحیه.
- ۲۵- کاهش تعداد پرونده‌های فساد مالی کارکنان مجموعه مدیریت شهری ناحیه.
- ۲۶- وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان ناحیه از روندهای موجود.
- ۲۷- قوانین کارآمد برای اداره و مدیریت ناحیه شهری.

- ۲۸- رعایت درستی و عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم گیری.
- ۲۹- بسته بودن دست افراد غیر مسئول در تصمیم گیری ها.
- ۳۰- آگاهی شهروندان ناحیه از قوانین، مقررات و ضوابط.
- ۳۱- اطلاع شهروندان و اهالی ناحیه از سازمان های تصمیم گیر و برنامه ریز ناحیه.
- ۳۲- پابندی مسولان ناحیه نسبت به قوانین.
- ۳۳- عدم تأثیرگذاری روابط بر روی ضوابط و نبود تبعیض در تصمیم گیری و برنامه ریزی.
- ۳۴- عدم تأثیرگذاری افراد صاحب قدرت و گروه های صاحب نفوذ در تصمیم گیری های شهری.
- ۳۵- پابندی مدیریت شهر به عرف و آداب و رسوم شهروندان ناحیه
- ۳۶- میزان برخورد قانونی مسئولین ناحیه با عوامل تخطی از قوانین و ضوابط شهری و شهرسازی.
- ۳۷- وضعیت عملکرد اداره کل حقوقی در رسیدگی به دعاوی شهروندان ناحیه.
- ۳۸- میزان تعهد شهرداری به قوانین و مقررات طرح جامع و تفصیلی.
- ۳۹- درک و پذیرش مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته های شهروندان ناحیه.
- ۴۰- واکنش و پاسخ مناسب مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته های شهروندان.
- ۴۱- همسویی خواسته های شهروندان و اقدام مسولان ناحیه.
- ۴۲- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با گروه های مختلف توسط شهرداری در موضوعات مختلف.
- ۴۳- تسهیل در رسیدگی مطلوب به شکایات شهروندان ناحیه توسط نهاد مدیریت شهری.
- ۴۴- برگزاری جلساتی از سوی میران و مسولان ناحیه برای تشریح اقدامات.
- ۴۵- حساب پس دادن مسولان و تصمیم گیران ناحیه در قبال شهروندان.
- ۴۶- فراهم بودن ساز و کار های لازم برای برای پاسخ گویی مسولان در نهاد مدیریت شهری ناحیه.
- ۴۷- مسولان و مدیران شهری ناحیه بخوبی پذیرای خواسته ها و نیازهای شهروندان بودن.
- ۴۸- پاسخ دادن مسولان و مدیران شهری به خواسته ها و نیازهای شهروندان ناحیه.
- ۴۹- پیگیری مسئولین شهری نسبت به طرح های در دست اجرا تا لحظه پایان آنها.
- ۵۰- مسئولیت پذیری در برابر مشکلات کالبدی ناحیه.
- ۵۱- اعتراف به خطا و اشتباه های مدیریتی در ناحیه شهری.
- ۵۲- مسئولیت پذیری مدیریت شهری ناحیه در برابر وظایف محول شده.
- ۵۳- تلاش مدیران شهری ناحیه برای تشویق مردم به پذیرش مسؤولیت.
- ۵۴- رضایت مندی مردم شهر از مسؤولیت پذیری مدیران شهری ناحیه.
- ۵۵- تهیه و انتشار سلسله گزارش های مختلف از عملکرد شهرداری ناحیه.
- ۵۶- پاسخگویی شهرداری در ارتقا و پیاده سازی نظام مدیریت بحران در ناحیه.

- ۵۷- حصول توافقی مشترک میان سازمان های دولتی، شهروندان و سازمان های غیر دولتی.
- ۵۸- وجود هماهنگی های لازم بین نهادهای مختلف، برای اداره بهتر ناحیه.
- ۵۹- وجود سازوکارهای همکاری مطلوب بین شهرداری، نهادهای عمومی، خصوصی و شهروندان.
- ۶۰- وجود تعامل مناسب گروه ها و منافع مختلف با یکدیگر در ناحیه.
- ۶۱- تعامل سه بخش مهم (بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) با یکدیگر در ناحیه.
- ۶۲- وجود سازوکاری برای مشورت بین سازمان های رسمی توسعه و شهروندان ناحیه.
- ۶۳- توافق جمعی در خصوص مشکلات مهم ناحیه (اقتصادی، زیست محیطی).
- ۶۴- تشکیل گروه های داوطلب مردمی در راستای کمک رسانی به خدمات شهری در ناحیه.
- ۶۵- عبور مدیریت شهری از مسائل روزمره ناحیه و غرق نشدن در روزمرگی.
- ۶۶- وجود بینش گسترده و دراز مدت نسبت به آینده ناحیه.
- ۶۷- وجود بینش راهبردی در زمینه توسعه ناحیه در میان مدیران و مسولان نهاد مدیریت ناحیه.
- ۶۸- در نظر گرفته طیف ها و گروه های مختلف شهروندان در برنامه ریزی های توسعه ناحیه شهری.
- ۶۹- آینده نگری در برنامه ها و تصمیم گیری های نهاد مدیریت شهری ناحیه.
- ۷۰- آینده نگری و تدبیر برای مشکلاتی که در آینده ممکن است گریبانگیر شهر و شهروندان شود.
- ۷۱- وجود فرصت های مناسب برای همه ی شهروندان در زمینه ی ارتقا وضعیت رفاهی خودشان.
- ۷۲- کافی و موفق بودن تلاش ها در جهت تخصیص عادلانه منابع بین همه شهروندان.
- ۷۳- سهم خوب و مطلوب اقشار و شهروندان محروم، در اعلام نظرها و تصمیم گیری ها.
- ۷۴- عضویت زنان در نهادهای مدیریت شهری ناحیه هم چون شهرداری و شورا.
- ۷۵- برابری فرصت ها و تخصیص بهینه منابع و امکانات در ناحیه.
- ۷۶- گسترش برابر دامنه بهداشت در خیابان ها و محله های ناحیه.
- ۷۷- سرانه مراکز خدمات اجتماعی در ناحیه.
- ۷۸- سرانه ارزش ریالی خدمات ارائه شده به بانوان در ناحیه.

منابع

- Barton, L, and Gaunlett, E. Housing and Sustainable Communities, Indicators project, western Australian council of social service, 2003.
- Cronbach, L. J. 'Coefficient Alpha and the Internal Structure of Tests', "Psychometrika", 1951; 16(3): 297-334.
- Hawley, Kate. Examines how urban areas are evolving to be sustainable — their challenges, trends and solutions. ISET International university in Colorado, USA, 2014.
- <http://esa.un.org/wup2009/unup/index.asp?panel=2>

<http://www.shahrhayeiran.blogfa.com>

<http://www.world-gazetteer.com>

Kennedy HP. Enhancing Delphi research: methods and results. J Adv Nurs, 2004 Mar; 45(5): 504-11.

Kline, E. Sustainable community indicators? In: roseland, M. (Ed). Eco – city; 1995.

Martin, W, j. The Global Information Society. Hampshire: Aslib Grower; 1995.

Roseland, M. Dimension of the Eco- City. Cities. 14(4). Elsevier Science Ltd, 1997.

Swisher, M. E. and Monaghan, K. N. Sustainable Community Development. UF/IFAS in us; 2014.

Turoff M, Linstone HA. The Delphi method: techniques and applications. [Cited 2008 Oct 19]. Available from: <http://is.njit.edu/pubs/delphibook/>

UN Habitat. Planning Sustainable Cities, Global Report on Human Settlements, London: United Nation Human Settlement Programme; 2009.

UN.2008. World Urbanization Prospects. The Revision 2008. Highlights, New York: United Nations, Department of Economic and Social Affairs – Population Division, February (ESA/P/ WP/205).

World Commission on Sustainable Development; 1987.

World Urbanization Prospects, the 2007 Revision, UN Population Division, Department of Economic and Social Affairs; 2007.

اطلس کلانشهر تهران؛ (<http://atlas.tehran.ir/Default.aspx>).

امکچی، حمیده، (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چهارچوب توسعه ملی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، ص ۱۵۰.

آمار بزرگ‌ترین شهرهای جهان؛ بازبینی شده در ۱۰ اوت ۲۰۱۲ (<http://www.world-gazetteer.com>)

آمارنامه شهر تهران، مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن. سال ۱۳۹۰.

بیهقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین، (۱۳۵۶). تاریخ بیهقی؛ به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران: انتشارات گام ورامین.

حبیبی کیومرث، نسترن مهین، محمدی مهرداد، (۱۳۹۳). سنجش پایداری محله‌های شهری در بافت‌های سکونتی با استفاده از سیستم استنتاج منطق فازی نمونه موردی: محلات شهر سنندج فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره هفتم.

زیاری، کرامت اله، (۱۳۸۰). توسعه پایدار و مسئولیت برنامه ریزان شهری در قرن بیست و یکم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و هشتم، شماره ۱۶.

فنی، زهره، (۱۳۷۹). شهرهای کوچک و توسعه پایدار منطقه‌ای، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴.

کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۷۹). شورای شهر یا شورای شهرداری: کنکاشی در جایگاه شورای شهر در مدیریت شهری، شهرداری ها، سال دوم، شماره ۱۳.

کاظمیان، غلامرضا و سیده زهره میر عابدینی، (۱۳۹۱). «شناسایی ابعاد و راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری با

روش فراتلفیق» در چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
 کاظمیان، غلامرضا و فردین یزدانی، (۱۳۸۳). بررسی رابطه برنامه‌ریزی فضایی با اقتصاد و مالیه شهری، مجموعه مقالات اولین همایش شهرداریها و اقتصاد شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
 موحد، علی، (۱۳۷۹). توسعه پایدار شهری، نشریه مدیریت شهری، شماره ۹۰، ص ۴۳.
 موسی کاظمی محمدی، سید مهدی، (۱۳۸۰). ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری: شهر قم، پایان نامه دکتری به راهنمایی دکتر حسین شکوئی، دانشگاه تربیت مدرس.
 الیوت، جنیفر، آ، (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، مؤسسه توسعه روستایی ایران، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Urban Development with iInfluence from the Development of Good Urban Governance in Iran

Mohsen Mohammadi ^{1*}, Majid Vali Shariatpanahi ², Hossein Mojtabizadeh ³

1. Ph.D. student, Department of Geography and Urban Planning, Center Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Department of Geography and rural Planning, Yadefare emam rah Branch, Islamic Azad University, Tehran, Ira
3. Department of Geography and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Today, large cities are facing a process of stagnation, decline and decline, which has led to the creation of inefficient and worn-out spaces in cities. Numerous and numerous models have been presented to deal with this urban problem and this study also theorizes about the model of regeneration of Islamic-Iranian urban development based on justice-oriented indicators with the aim of achieving a suitable solution in this field. In order to identify the indicators and identities of the main idea, this research has used the "context theory" method and in order to analyze the data, the "content analysis" method has been used. The indicators are arranged in descending order by Mc Grahnanan method of weight determination to determine which of the principles and indicators play a significant role in the purpose of the research. Then, the proposed framework in the research context has been studied and evaluated by the methods of documentary study, observation and interview.

Keywords: Urban development, Justice-oriented urban planning, Islamic-Iranian, Quality of life.